

طرداد معمار و سن صوفی (۱)

مقدمه مترجم

کسیکه بفرهنگ و ادبیات و هنر سرزمین خود واقف باشد مسلم است که در برابر بهت و حیرت فرنگیان هنگام تماشای آثار تاریخی اصفهان بی اختیار بخود میلرزد و براین عظمت هنری افتخار میکند .

افتخار از این نظر که در زمینه معماری و هنر ساختمانی نیز همچنانکه در زمینه شعر و ادبیات آنچنان چشم جهانیان را خیره کرده ایم که هر نوع واکنش شگفتی آمیز آنانرا بمنزله سرچشمه ای از غرور افتخار ملی در خویش باز دیده ایم و همواره مغرورتر و مفتخرتر از پیش بسوی قلل مرتفع افتخارات میهنی گام نهاده ایم .

و قتیکه چنین نیروئی نامرئی در اعماق روح هرا انسان وطن پرست جریان دارد نیک پیدا است که اگر همان فرنگیان ساختمان آثار مذکور را مدعی شدند و بخود نسبت دادند . (همچنانکه برای تخت جمشید چنین ادعائی کرده اند) بفرورما لطمه خواهد خورد و ما را به جنب و جوش خواهد انداخت تا همگان با ارائه مدارک و اسناد متقن و مستدل به نفی چنان ادعای ناپجا برخیزیم و تا آنجا که در حیطه امکان ماست از وابستگی افتخارات ملی خویش دفاع کنیم .

منظور از مبادرت باین مقدمه آن بود که برای هر ملتی از جمله برای ماملت ارمنه فرض است که در اثبات و ابستگیهای افتخار آمیزی که دیگران

آمده‌اند و بدروغ بخود نسبت داده‌اند بکوشیم و سعی کنیم که با تکیه اسناد و مدارک جامع و کامل اعم از ترجمه و تألیف از حقوق فرهنگی و هنری خود دفاع کنیم .

مقاله مفصل و مستدل زیر یکی از همین مدارک است که آ - ا' مورخ و محقق ارمنی زبان بمنظور اثبات انتساب ساختمان ایا صوفیه بمعماران ارمنه بنوشتن آن میادرت کرده و الحق نشان داده که تاجه پایه در گردآوری مدارک لازم متحمل زحمت شده است .

با توجه بلزوم چنین ترجمه‌ها مترجم راهواره امید است که در ترجمه چنین مقالات مستدل و افتخار انگیز توفیق کامل پیدا کند و خوانندگان صاحب نظر و دست اندرکار را مشوق شود تا آنان نیز در این زمینه‌ها تقصیر و کوتاهی نکنند. جلفای اصفهان دیماه ۱۳۴۶

دکتر هراند قو کاسیان

تا آنجائیکه برای ما آشکار است ارمنستان نخستین (۱) کشوریست که دین مسیح را بعنوان مذهب رسمی پذیرفته است .

تأمدهای مدید در کتب تاریخ سنه ۳۰۳ بعد از میلاد راسال و قوع این واقعه میدانستند تا بعدها که عده‌ای از مورخین و محققین ارمنی پس از مطالعات و تحقیقاتی که از وجدانی پاک سرچشمه میگرفت به نتایج دیگری رسیدند. پرفسور آدونتز این تاریخ را ۲۸۸ بعد از میلاد و پرفسورس مالخاسیانس ۲۷۹ و هایلر آگینیان سال ۲۲۰ بعد از میلاد را نقل کرده‌اند . اما با مراجعه به کتب تاریخی ارمنه و بویژه تاریخ صنعت هنر و معماری آنان بهتر میتوان مأخذ تاریخی این رویداد بزرگ پی برد .

۱ - مقارن همین زمان جمهوری روم به امپراطوری روم تبدیل شد و از تأسیسات جمهوری و اساس آزادی جز نام و نشانی باقی نماند . در زمان امپراطوری روم ولایات دور دست که در زمان جمهوری از حقوق مدنی روم بهره‌ای نداشتند و به میل شخصی حکام اداره میشدند در این زمان از حقوق مدنی بهره‌مند گشتند. بهمین جهت اهالی ارمنستان در پذیرش دین مسیح پیشقدم شدند . تاریخ قرون وسطی .

تا اوایل قرن چهارم میلادی امپراطوری روم شامل آسیای صغیر و یونان بود و همچنین ارمنستان که در آن زمان به این امپراطوری خراج میداد. دین مسیح بویژه در شبه جزیره ایتالیا که مستقیماً زیر نظر امپراطوری مزبور اداره میشد هنوز توسعه چندانی نیافته بود و بهمین لحاظ باید قبول کرد که خلافت ناصری بیشتر در امپراطوری روم شرقی گسترش داشت تا نقاط دیگر.

بنا بر گفته بعضی از مورخین در اوایل قرن چهارم تعداد مسیحیان امپراطوری روم بیش از ده درصد مجموع جمعیت آنها را تشکیل نمیداد.

در سال ۳۲۴ بعد از میلاد کنستانتینوس پس از شکست رقیب سرسخت خود لیگینیوس زمام امپراطوری روم را در دست گرفت و یکه تاز میدان شد و سپس به مسیحیان آزادی کامل داد آزادی که بت پرستان نیز از آن برخوردار بودند. و از سوی دیگر چون بیشتر مسیحیان در امپراطوری روم شرقی سکنی داشتند لهذا از نخستین اقدامات وی آن بود که مراکز رسمی و سازمانهای دولتی خود را در مناطقی متمرکز ساخت که به آسیا نزدیکتر بود و آن نقاط را از نظر سیاسی و نظامی مناسب تشخیص داد زیرا مرزو حد منطقه حساسی بود که در کرانه‌های و سیر جای داشت. جائی که سالیان دراز شهر متروک و مطرود یونانی بنام بیزانتیوم قرار گرفته بود.

اما پیش از اینکه کنستانتین (۱) دستگاه عظیم امپراطوری را بدینجا انتقال دهد در صدد برآمد تا پایتخت جدید خود را زیباتر و باشکوهتر از روم گرداند بهمین منظور بکلیه حکمرانان و رؤسای بلاد تا به دستور میدهد تا هر کس در

۱ - کنستانتین که اولین قیصر روم و پایه گزار امپراطوری روم محسوب میشود پیش از اینکه به امپراطوری برسد فرانکها و گت‌ها را هزیمت داده بود ماکسنیوس **Maxcneius** را که پیرو مذهب قدیم روم بود شکست داد و با کمک مسیحیان و با بیرق صلیب داخل شهر شد و فرمان میلان را صادر کرد و باین ترتیب دین مسیح آزاد اعلان شد. مورخین مسیحی کنستانتین را حامی بزرگ کلیساها میخواندند. مذهب تازه پایتخت تازه میخواست لذا کنستانتین پایتخت خود را در بیزاننوم شهر قدیم یونانی قرارداد. شهر مزبور را کنستانتینویل یعنی شهر کنستانتین نامید (قسطنطیه اعراب و استانبول ترکها)

منطقه حکمرانی خود از مجسمه‌های قدیمی و در کاخها و بتکده‌های کهن از اشیاء قیمتی و شاهکارهای هنری نمونه‌ای سراغ کرد جمع‌آوری کند و به بیزانتیوم ارسال دارد. او با شوق زباد و با اقدامات اصلاحی عمیق در عمران و آبادانی و عملیات ساختمانی پایتخت تازه خود همت گماشت و بساختن کاخهای مجلل، سر بازخانه‌ها، تأسیسات دولتی، قنات‌ها و حمام‌های شایسته و دیگر جایها در پایتخت امپراطوری خود پرداخت اما متأسفانه گزارشی در خصوص احداث نمازخانه‌ها، کلیساها و بناهای مذهبی درست نیست تنها آگاهی ما در این زمینه این است که در این دوره کلیسایی بنام «ایرن قدیسه» وجود داشته که آنهم در اثر دگرگونیهای فراوانی که در عرض سالیان دراز یافته فاقد ارزش تاریخی گشته بود کنستانتین کلیساهای دیگری هم بنام‌های «سنت آراکلوس» و «سنت صوفیه» بنا نهاده است. اما اگرچه در سده ششم کلیساهای قابل توجهی در بیزانتیوم احداث نکرده است ولی میتوان گفت در سایر نقاط امپراطوری روم مثلاً در ایتالیا و بویژه در راونا (۱) و همچنین در ارمنستان کلیساهای متعددی ساخته و در این راه بموقعیت‌های شایانی هم نائل شده بوده است.

باید در نظر داشت که شرایط و موقعیت ارمنستان برای ایجاد و تأسیس اماکن مقدسه در آن زمان از هر حیث فراهم بود زیرا ارمنستان نخستین کشور مسیحی شناخته شده بود و از طرفی دولت و ملت مذهب مسیح را بطور رسمی پذیرا شده بودند بهمین جهت آثار و بخصوص ابنیه مذهبی بسرعت تمام در ارمنستان یکی پس از دیگری بوجود می‌آمد در صورتیکه در دیگر نقاط امپراطوری این گونه اقدامات جنبه تدریجی داشت.

مردم ارمنستان که با شور و علاقه‌ای سرشار بساختن بناهای مقدس خود پرداخته بودند مراسم مذهبی خود را در نمازخانه‌ها آزادانه بجا می‌آوردند و حال آنکه در ممالک همجوار ارمنستان و امپراطوری روم مسیحیان هنوز مجبور بودند مراسم نماز و دعای خود را مخفیانه برگزار کنند و اغلب در دخمه‌های زیر زمینی و محل بخاک سپردن مردگان و یادر خانه‌های دور افتاده‌ای که باغچه‌های آن‌اندک اندک مدفون مردگان شده بود بدعا و نماز می‌پرداختند و از

طرفی چون احداث معابد و کلیسا کار آسانی نبود و ساختمان آن بمدتی نسبتاً مدید احتیاج داشت لذا مسیحیان ارمنستان برای رفع احتیاجات و ضروریات مردم بتکده‌های انجا را با تغییرات و تعمیرات اساسی و لازم به محرابها و نماز-خانه‌های مسیحی تبدیل کردند تعداد قابل توجهی از آنها هنوز هم باقیست همچون «دیگور»

شکی نیست که رفورم مذهبی که در ارمنستان آن زمان ایجاد شده بود مبنای آن بر مساوات در میان ابناء بشر و تساوی حقوق آنان در برابر دستگاه عظیم الهی بوده برای دول و همسایگان مجاور ارمنستان چندان خوشایند نبوده است بویژه آنکه کشورهای تابع امپراطوری میدانستند که در میان مردم کشورشان مسیحیانی هستند که درخفا زندگی میکنند و در حقیقت برای امنیت امپراطوری مضر و خطرناکند .

پرواضح بود که امپراطوری روم با پذیرش مذهب مسیح از طرف مردم ارمنستان مخالف بود و بهمین لحاظ لشکر کشی امپراطوری روم به ارمنستان اجتناب ناپذیر بود و میخواستند مذهب تازه و اماکن مقدس ارمنه را که به زعم آنها آشیانه خطرناکی برای دستگاه امپراطوری شده بود منهدم کنند. ما کسی میانوس (۱) در سنه ۳۱۱ بعد از میلاد بالشکریان خود بطرف ارمنستان حمله کرد اما در این نبرد مغلوب شد و با امپراطوری روم بازگشت. ارمنه علاوه بر امپراطوری روم همسایه توانا و حریف سرسخت دیگری

۱ - در این زمان دیو کلیسیانوس امپراطور روم بود. او پس از اینکه طوایف مهاجم را از سرحدات روم دور کرد و از هرج و مرج و نا امنی داخلی جلوگیری نمود ممالک امپراطوری را در میان خود و سه نفر از سرداران نامی بنام ما کسمیانوس و گالریوس و کنستانتیانوس تقسیم کرد . در زمان دیو کلیسیانوس مذهب مسیح توسعه یافت ولی در اواخر عمر او قتل عام وحشتناک مسیحیان اتفاق افتاد و خون هزاران بیگناه ریخته شد بدینجهت دیو کلیسیانوس از امپراطوری استعفا کرد و فتنه و آشوب در ممالک امپراطوری بالا گرفت بالاخره کنستانتیانوس اول با کمک مسیحیان خاصه مسیحیان ارمنستان با امپراطوری روم رسید و پاپتخت را به بیزانقیوم منتقل ساخت. تاریخ قرون وسطی .

نیز داشتند (ایرانیان مزدکی) که بی شک آنها هم نمیتوانستند به رفورم مذهبی و تحولاتی که در ارمنستان بوقوع پیوسته بود به دیده خوشبینی بنگرند. زمانیکه رومیها آرامنه را تحت فشار قرارداد بودند پادشاهان ساسانی در کشور خود سرگرم امور داخلی بودند و فرصت نداشتند که در نقش‌های اصلی خود قرار گیرند اما در سنه ۳۲۵ (۱) یعنی وقتیکه امپراطوری روم رسماً دین مسیح را پذیرفت اوضاع کاملاً دگرگون شد و دیگر بهانه‌ای برای دشمنی این دولت یعنی روم و ارمنستان باقی نماند و در این موقع پادشاهان ساسانی خود را در مقابل امپراطوری عظیم یافتند که با ارمنستان هم‌مذهب شده بود ولی با زدست از مخالفت با ارمنستان بر نداشتند و با در نظر گرفتن جنبه‌های سیاسی مسئله (تاجبیه‌های مذهبی آن) بحملات و لشکرکشی خود به ارمنستان ادامه داد. سپاهیان آرامنه در سال ۴۵۱ بسرکردگی وارطان مامیکونیان از لشکریان عظیم و انبوه دشمن شکست خوردند اما ایرانیان با ملاحظه اینکه آرامنه در ایمان خود راسخ و پابرجا هستند و فشار بر آنها بعدها ممکنست مشکلاتی در برداشته باشد در سیاست خود تجدید کلی بعمل آوردند و به آزادی مذهب مسیح در ارمنستان رسماً صحه گذاشتند ولی من غیر مستقیم از مداخله در امور داخلی آنها خودداری نمیکردند.

باین معنی که پایگاهها و همچنین افراد برجسته و مؤثر آنها را از صورت تمرکز خارج مینمودند و در نقاط مختلف قرار میدادند. آرامنه نیز کم‌کم از ارمنستان بیرون می‌آمدند و بنقاط دیگر کوچ میکردند. آنها آب و ملک خود را از دست میدادند و بسوی بیزانسیوم پایتخت امپراطوری روم رهسپار میشدند. امپراطوری بیزانسیه فقط به آنها زمین مزروعی واگذار میکرد بلکه برای اشتغال با مردم هم و حساس و سمت‌های رسمی از وجود آنها استفاده میکرد اما باید دانست که امپراطوری بیزانسی از این خوشرفتاری نسبت با آرامنه در وهله اول منافع خود را در نظر داشت. زیرا با این تدبیر تعداد کثیری از انتقام‌جویان را (در برابر ایرانیان که دشمن سرسخت و رقیب دیرینه آنها بود) همدست میکرد و از سوی دیگر با بکار بردن این روش از ارمنستان بعنوان سدی قوی در

۱ - در این سال ارمنستان رسماً جزء امپراطوری روم شد و دولت ایران در صدد بود ارمنستان را با دیگری تصرف کند.

برابر دولت ساسانی استفاده مینمود و چنین است که اگر امپراطوری بیزانس در این هنگام به ارمنستان کمک میکرد سپاهیان و لشکریان آنها را تقویت مینمود و در برابر شاهان ساسانی حریفی سخت بوجود میآورد سیاست و اندیشه عاقلانه‌ای بکار میبرد اما امپراطوران خودخواه و کوتاه بین نتوانستند این طریق مستقیم را طی کنند و لاجرم این شیوه هم بضرر امپراطوری تمام شده و هم بضرر ارمنستان و سیاست دنیا... .

هم‌زمان با ژوستینا نوس مورخ شهیر و سخنران و وکیل مبرز پروکوپوس (۱) مینویسد که در سده پنجم پاسداران کاخ‌های امپراطوری و همچنین سپاهیان مبارز آنان که تعدادشان بالغ بر ۳۵۰۰ تن بود همه از ارمنه انتخاب میشدند (بخاطر ارزش فراوانی که برای ارمنه قائل بودند) فرماندهان این سربازان همگی از ارمنه بودند ارمنه با تهور و شجاعت بی‌همتای خود به امپراطوران بویژه امپراطوری ژوستی نیانوس شکوه و ابهت خاصی میبخشیدند. برادران نرسه و ساهاک و اردوان و گریگور ارشاکونیان. ارداشس و وازود دیگران از افراد فعال و چهره‌های درخشان آنها بودند.

نرسس پادریک از شخصیت‌های ممتاز و دست‌اندرکاران کاخ امپراطوری بوده است و در شرایطی بس مشکل جان‌ثروستی نیانوس را از مرگ نجات داده است این شخص از طرف امپراطور بفرماندهی سپاهیان بیزانس که عازم حمله بایتالیا بودند رسید و از طرف ژوستی نیانوس رزمنده دلیر نام گرفت و در این فتوحات هنر و استعداد عجیب خود را بمنصه ظهور رسانید و با سپاهیان قلیل خود در سال ۵۵۵ امپراطوری استروگوته‌ها را شکست داد و بعنوان نایب امپراطوری روم تا سال ۵۶۷ در راونا حکومت کرد. (نا تمام)

۱ - پروکوپوس وقایع ایندوره را با جزئیات مبسوط نوشته است مورخ مزبور ۸ جلد کتاب در جنگ‌های ایران و واندال هاو گت هاوشش جلد کتاب در تمجید ساختمانهای ژوستی نیانوس نوشته است و ضمناً بدرجه کنسولی و حکومت قسطنطنیه نیز رسیده است.